

سید علیجان عباسی - عکس: علی پیام



نقش کتاب در توسعه حکومتمداری خوب و انکشاف

(گزارش از کتابخانه حضرت قائم، مرکز بامیان)



عباسی می گوید که کتاب ها را از درک وجوہات شرعیہ و یا مالیه عمومی اسلامی مانند سهم امام و کمک های مردمی تأمین کرده است.

به گفته عباسی تا کنون هیچ شخص و یا نهادهای دولتی سراغش را به منظور دلجویی و تشویق نگرفته است. خصوصاً از ریاست فرهنگ بامیان دلخور است و می گوید: ریاست اطلاعات و فرهنگ هیچ کمکی با کتابخانه نکرده است. وی تشویق و احوالگیری را بهترین هدیه و کمک و مساعدت قلمداد می کند.

به قرار گفته عباسی فرهنگ مطالعه در بامیان عالی است. به طور مثال می گوید: از سال 1369 تا سال 1377 تعداد 9742 نفر کتاب برای مطالعه برده اند که از این جمع شش نفر زن بوده است. و از سال 1384 تا 15 ماه جوزای سال جاری به تعداد 9011 تن زن کتاب برای مطالعه برده اند. وی از مجموع کتاب های که از ابتدا از بخش گردش کتاب به امانت برده است، به تعداد 81905 جلد کتاب و سی.دی. های مختلف یاد می کند. از حجم آثار تولیدی نویسندگان افغانستان سؤال می کنم، می گوید شاید در حدود 5٪ کتاب های کتابخانه را آثار نویسندگان افغانستان تشکیل بدهد.

عباسی دارای سابقه نظامی است. تجربه نظامی گری را در کارنامه عمرش ثبت کرده است. سیزده سال تحصیل رسمی و 15 سال تحصیل غیر رسمی دارد. در جریان صحبتش از تأثیر کتابخانه اش روی برخی از افراد جامعه نام می برد. به طور مثال از یک نفر نظامی دوره های جنگ نامنظم و سال های سیاه جنگ یاد می کند که بر اثر استفاده از همین کتابخانه نظام را رها کرده است و دانشگاه خوانده است، فعلاً استاد دانشگاه در بامیان است.

نفر دوم نیز بر اثر تأثیرگذاری از این کتابخانه در خارج از کشور به تحصیل مشغول است. به قول عباسی با صد نفر که مصاحبه صورت گرفته است، یک جوان اعتراف کرده است که کتابخانه شما مرا نجات داده است.

■

از سال 1384 تا 15 ماه جوزای سال جاری به تعداد 9011 تن زن کتاب برای مطالعه برده اند. وی از مجموع کتاب های که از ابتدا از بخش گردش کتاب به امانت برده است، به تعداد 81905 جلد کتاب و سی.دی. های مختلف یاد می کند.

▼ علی پیام

کتابخانه در سال 1369 تأسیس شده است. ساختمان کتابخانه که بیشتر به فضای دکان می ماند، محل کرایبی است. این کتابخانه شعبه دیگری دارد که در قریه بامسرای بامیان واقع است. هر دوی این کتابخانه دارای هفت اتاق کوچک است که قفسه های کتاب ها را استوار کرده است. کتابخانه ای که در بازار بامیان قرار دارد، دارای چهار اتاق است که ماهوار مبلغ 6700 افغانی کرایه پرداخت می شود.

عباسی مؤسس و مسؤول کتابخانه در دوره های بعدی دیدار، با خوشرویی برخورد می کند. وی می گوید: مجموع کتاب های کتابخانه 19742 جلد کتاب می باشد که در حدود 300 و چند آن را کتاب های به زبان انگلیسی دربر می گیرد. کتاب ها در حدود 24 موضوع از قبیل تفسیر، اخلاق، تاریخ، مدیریت، اقتصاد و غیره می باشد.

آن عده از افرادی که کارت عضویت دارد 2374 نفر می باشد. یعنی کتابخانه دارای بخش درگردش نیز می باشد که در هر گردش خود روشنی و نور را در شعاع های وسیع جغرافیای بامیان تکثیر می کند. از مجموع کسانی که کارت عضویت دارند، 35٪ آن را زنان تشکیل می دهند.

بیشترین استفاده کنندگان این کتابخانه را دانشجویان دانشگاه بامیان و در مرتبه بعدی محصلین مکاتب تشکیل می دهند. عباسی در پاسخ سؤال من می گوید: شاید از مجموع کسانی که کارت عضویت دارند، 15 نفر آن را کارمندان ادارات دولتی تشکیل می دهند که متأسفانه آنان کتاب های را که می برند پس نمی آورند.

اشاره: یکی از ابزارهای توسعه و انکشاف و تحقق حکومتمداری خوب، وجود مراکز منابع معلوماتی و کتابخانه ها و مراکز عرضه های فرهنگی و فکری است. به منظور شناسایی این ابزارهای موفق و کارساز نویسنده این سطور در نظر دارد تا حضور کتاب و کتابخوانی را در ساحه کاری اش به جستجو بگیرد. این نوشته در راستای هدف ترویج و ترغیب ابزارهای توسعه و انکشاف امور ولایتی و تأمین حکومتمداری خوب به رشته تحریر در آمده است.

کتابخانه حضرت قائم کتابخانه عمومی است که در راسته بازار بامیان واقع است. بنیانگذار این کتابخانه سیدعلیجان عباسی است. بارها می خواستم گزارشی از این کتابخانه تهیه کنم تا فرهنگ علم جویی و کمال گرایی را در مردم بامیان جستجو کنم. هدف از طرح این جستجو این است که راه های توسعه و انکشاف ولایتی و کمک به حکومتمداری خوب را از طریق ارتقای سطح دانایی و معرفت مردم مطالبه کنیم.

سومین بار در کتابخانه برای تهیه مصاحبه و گزارش رفتم. با فاصله های بسیار. از زمانی که راسته بازار را برف پوشانده بود تا همین روزهای که طبیعت بامیان را سبزه و بهار گسترانده است.

بار سوم و یا چهارم مردی را در کتابخانه یافتم، با شک و تردید. نگاه های مظطرب و وسواس. از اولین کلمه اش که گفت: برای سروی مراکز فرهنگی آمده اید؟ دریافتم که در ته کلامش تشویش است. در نوبت بعدی که به سراغش می روم و در جریان درد دل هایش قرار می گیرم، به خوبی درک می کنم که دل چندان خوشی از اوضاع جاری و گذشته ندارد.